



# سیرینه در پر هوت

## پر سش‌های مقدر و تولد فیلمنامه‌خوان حرفه‌ای

۱. سال‌ها پیش که در رشته روان‌شناسی تحصیل می‌کردم، به

دستور جناب استاد با تعدادی از هم‌کلاسی‌ها گروهی را برای ارائه یک مقاله پژوهشی تشکیل دادیم. یکی از کارگردانان خوب سینما و تلویزیون نیز هم‌کلاس من بود اما در گروه دیگری عضو بود که کارهای بسیار شیرین و جذابی هم کردند؛ مثلاً برای ارزیابی شیوه‌های ابراز هم‌دردی مردم ایران به گدایی صوری در تهران اقدام کردند. گزارش این پژوهش یکی از خاطرات به یادماندنی من در دوران دانشجویی است. گروه ما موضوع پرسش‌های روان‌شناسی را به عنوان موضوع تحقیق انتخاب کرد. سؤال اساسی این بود که چه پرسش‌های بی‌پاسخی در این رشته وجود دارد؟ و خاستگاه این پرسش‌ها چیست؟ روز ارائه گزارش، من مسئول ارائه بخش اول تحقیق بودم و سخنم را با یک جوک - که امروز دیگر خیلی قدیمی است ولی آن موقع به شدت تازه و بدیع بود - آغاز کردم. همان لطفیه معروف جهنم ایرانی و آمریکایی و ماجرای قیف و قیر و مأمور. در میان شلیک خنده استاد و دانشجو توضیح دادم جوک‌ها به این دلیل جذاب‌اند که پاسخ غیرمنتظره‌ای به یک پرسش می‌دهند و اثر دیگر توجه به پرسش‌ها، رسیدن به خضوع علمی و پایین آمدن از برج عاجی است که استاد و دانشجو را وادار می‌کند تا خود را همچنان نیازمند آموزش ببینند. هر چه سؤال بیشتر یادگیری بیشتر.

۲. با این پرسش که آیا فیلمنامه‌خوانان ما در مؤسسات مختلف دولتی و خصوصی بر اساس چهارچوبی معین فیلمنامه‌ها را ارزیابی می‌کنند یا خیر؟ با یکی از این گروه‌ها گفت‌وگو کردم و از ایشان پرسیدم که آیا شما در ارزیابی فیلمنامه‌ها به پرسش‌های مشخصی پاسخ می‌دهید؟ گفتند خیر، پرسش‌های مدونی وجود ندارد فقط چون ما این کاره‌ایم فیلمنامه را می‌خوانیم و نظر می‌دهیم و اگر فیلمنامه‌نویس اعتراضی داشت توجیه‌اش می‌کنیم!

۳. بالاخره ادامه کنجکاوی من در گفت‌وگو با یکی از فیلمنامه‌نویسان حرفه‌ای به سرانجام مطلوبی رسید. ایشان می‌گفت شما اگر فیلمنامه‌ای از من را به زبان انگلیسی ترجمه کنید و برای یکی از کتاب‌خانه‌های مهم جهان بفرستید، آنان ظرف مدت دو هفته فیلمنامه شما را همراه نظر سه نفر از کارشناسان فیلمنامه‌نویسی که طی یک پرسش‌نامه منسجم ارائه شده است بازپس خواهند فرستاد و ضمناً به ارزیابی فیلمنامه اقدام خواهند کرد. من صاحب یک فیلمنامه جهانی می‌شوم و شما صاحب یک پرسش‌نامه دقیق برای ارزیابی فیلمنامه.

۴. چند روز پیش با یکی از فیلمنامه‌نویسان گپ و گفتی داشتم که به نکته جالبی اشاره می‌کرد. می‌گفت: یک بار فیلمنامه‌ای را پس از بازنویسی مکرر تمام شده تلقی کردم، اما ناگهان این پرسش برایم مطرح شد که خوب! شغل شخصیت اصلی فیلمنامه من چیست؟! به همین سادگی همه چیز به هم ریخت. هر شغلی را که در نظر می‌گرفتم بخش‌های مهمی از فیلمنامه دستخوش تغییر می‌شد. من به یاد بیش از ۴۰ پرسشی افتادم که در شماره ۲۷ فیلم‌نگار در بخش کارگاه فیلمنامه‌نویسی منتشر شده بود. دوست فیلمنامه‌نویس هم گفت اتفاقاً در یکی از سایت‌ها به نرم‌افزاری برخوردیم که حاوی ۶۰ پرسش در مورد داستان فیلم است که شما با پاسخ دادن به این

سردبیر